

بسم الله الرحمن الرحيم

## آزادی در انتخاب دین از دیدگاه آیه الله جوادی آملی (دامت برکاته)

فاطمه مهدی نژاد<sup>۱</sup>

ایران شفیعی<sup>۲</sup>

چکیده

آزادی و انتخاب آزاد حق مسلم و طبیعی هر انسانی است و خداوند بشر را آزاد خلق کرده و اورا در انتخابش آزاد گذاشته است. انسان در سایه آزادی و اختیار، قابلیت رشد و تربیت را پیدا می کند و می تواند با انتخاب های صحیح خود، به کمال و سعادت برسد. آزادی موهبتی الهی است که بر اساس حکمت خدای حکیم در تمام افراد نوع بشر قرار داده شده است و هیچ کس جز خود خدای خالق، حق محدود و محصور کردن آن را ندارد. از همین رو است که خدای متعال انسان را در انتخاب عقیده و دین آزاد گذاشته و دینی را که با اجبار و اکراه انتخاب شود، قبول ندارد. اسلام نیز به عنوان یکی از ادیان الهی، انسان ها را در انتخاب دین آزاد گذاشته است و حتی به بیامبران اجازه دخالت در حریم اشخاص را نمی -دهد تا افراد را مجبور به پذیرش دین خاصی کند. اسلام از مسلمانان خواسته است تا با تفکر و تأمل و قدرت عقل و اختیار خویش، حقانیت دین و آموزه های آن را بیابند و آن را انتخاب کنند. از طرفی نیز اسلام با شک کردن و یا از بین بردن عقیده صحیح و سالمی که فرد انتخاب کرده است، به شدت مخالفت می کند و در مواقعي هم که انسان ها بخواهند، نظم و تقدس دین را خدشه دار کنند، با آن ها برخورد خواهد کرد.

وازگان کلیدی: آزادی، اسلام، انتخاب، دین

۱. سطح ۲، حوزه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، [Soogand.banoo@chmail.ir](mailto:Soogand.banoo@chmail.ir).

۲. سطح ۳، حوزه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).

## مقدمه

آزادی، یکی از حقوق طبیعی و اساسی هر انسانی است و این حق را خدای حکیم به او بخشیده است و کسی حق محدود کردن و یا سلب آن را ندارد. همچنین آزادی یکی از صفت‌های بشر است و با هستی یافتن و موجود شدن بشر، این حق برای او محقق می‌شود و همان‌گونه که اصل وجود بشر متناهی و محدود است، این حق نیز در او محدود است. آزادی در هیچ انسانی مطلق و نا متناهی نیست و دارای حد و دامنه مشخصی است. یکی از مصادیق آزادی انسان‌ها، آزادی عقیده و انتخاب دین است که مسئله‌ای فردی و درونی است و اگر اثرات این انتخاب در اعمال و رفتارش نمایان شود، دیگر تنها جنبه فردی ندارد و بعد اجتماعی پیدا می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است که به این مسئله پرداخته شود که آزادی در انتخاب دین چه مفهومی دارد و مقصود از انتخاب آزاد دین چیست؟ این موضوع از دیدگاه عارف و مفسر بزرگ قرآن کریم، آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) بررسی خواهد شد، که ایشان در عصر کنونی، از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردار هستند. در رابطه با این موضوع، کتاب مستقلی نوشته نشده و تنها در بخش‌هایی از چند کتاب که توسط خود علامه جوادی آملی (دامت برکاته) به رشتہ تحریر در آمده است از جمله، کتاب تفسیر تسنیم، ولایت فقیه و دین شناسی مطالی در باب این موضوع آمده است. مقالاتی هم که در این زمینه نوشته شده از جمله آن‌ها، آزادی انتخاب دین از دیدگاه اسلام، نوشته محمد حسن فصیحی؛ نگاهی به نظریه آزادی انتخاب دین، علی کریم پور قرا ملکی؛ نگاهی به نظریه آزادی انتخاب دین، مصطفی محمد بختیاری؛ باورهای دینی و آزادی در انتخاب دین، یعقوب جعفری و آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه «لا اکراه فی الدین» نوشته سید حسین حسینی کارنامی هستند اما در هیچ کدام نظرات گرانقدر علامه جوادی آملی (دامت برکاته) نیامده است. ضرورت بحث آزادی در انتخاب دین، از آنجایی نمایان می‌شود که هیچ فردی را نمی‌توان به اجبار، بر عقیده‌ای و ادار کرد یا عقیده و رأیی را از دل کسی بیرون کشید. هدف از نوشتمن این مقاله این است که مسئله آزادی در انتخاب دین بررسی گردد و حد و حدود این آزادی مشخص گردد، تا برای افراد جامعه مشخص و معلوم شود که در انتخاب و ابراز دین خود تا چه حد آزادی دارند.

## ۱. آزادی عقیده

با توجه به مطالعاتی که در کتب فرهنگ و لغت انجام گرفته است، واژه آزادی در لغت به معانی، حامص، عتق، حریت، اختیار و برخلاف بندگی، رقیت، عبودیت و اسارت و اجبار به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۳۲؛ حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ص ۷۵ و ۷۴) علاوه بر آن، معنای قدرت عمل و قدرت ترک عمل و قدرت انتخاب و رهایی و خلاصی نیز برای این واژه به کار رفته است.

معنای اصطلاحی این واژه را نیز این گونه تعبیر می کنند که «هر فرد حق انتخاب حکومت قانونی و نماینده و دولت را دارد و هم چنین نبودن حاکم مستبد در رأس حکومت و شرکت افراد در انتخاب حکومت و نماینده‌گان» (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

در جایی دیگر معنای اصطلاحی آزادی این گونه آمده است: «برون شدن از قید بندگی کائنات (جز خدا) و بریدن رشته‌های تعلقات و اغیار که برای آن مراتبی باشد. آزادی عام که آزادی از قید شهوت است؛ آزادی خاص و آن آزادی از قید خواسته‌هاست، حتی آنان که خواسته خویش را در خواسته خدای سبحان فانی ساختند. آزادی خاص الخاص که آزادی از رقیت آداب و رسوم است». (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ص ۷۵ و ۷۶)

(۷۴)

با توجه به روشن شدن معنای این واژه، می توان گفت، آزادی از مقدس ترین و مسلم ترین حقوق بشر است. خداوند انسان را آزاد و رها از هر گونه قید و بندی، خلق کرده است و به هیچ کس اجازه محدود کردن این حق را نمی دهد. همان گونه که امام علی (علیه السلام) سرور آزادگان جهان، فرمودند: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه / نامه ۳۱)؛ بنده دیگری مباش، خداوند تو را آزاد قرار داده است. تنها عاملی که می تواند آزادی بشر را محدود کند، هستی بخش او است یعنی خدایی که وجود محدود را به انسان بخشیده است، این حق را هم دارد که حدود آزادی او را تعیین کند و بقیه بشر نباید هیچ دخالتی در این حق داشته باشند؛ زیرا تنها خدای سبحان است که از حیطه هستی انسان، آگاهی دارد و به آنچه که برای او خیر و یا شر است، علم دارد.

بنابراین تنها مرجعی که صلاحیت تحدید آزادی بشر را دارد، همان خدایی است که به او هستی بخشیده و برای هر چیزی اندازه خاص و معینی را قرار داده و در قرآن کریم نیز بر آن تأکید کرده است: «إِنَّا

کُلَّ شَيْءٍ خَلَقَاهُ بِقَدَرٍ» (قرآن/۴۹)؛ به قطع ما هر چیزی را به اندازه آفریده ایم. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۰) آزادی در عقیده و حق انتخاب، یک نوع آزادی است که همواره مورد تأکید در آیات و روایات قرار گرفته است. آزادی عقیده، یعنی انتخاب راه و روش، دین و ایمان که بعد از فکر و اندیشه صورت می‌گیرد. بر اساس این نوع از آزادی انسان از روی اختیار خود و به طور کاملاً آزاد، می‌اندیشد و بعد راه خود را انتخاب می‌کند. (محبی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰) آزادی عقیده در چهار مورد خلاصه می‌شود:

(۱) آزادی در داشتن عقیده

(۲) آزادی در بیان عقیده

(۳) آزادی از تفتیش عقیده

(۴) آزادی از تحمیل عقیده. (قاضی زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

در شریعت اسلام، از دو راه پایه‌های آزادی عقیده در جامعه استوار می‌شود: یکی از راه وادار کردن مردم به احترام گذاشتن به حقوق دیگران در انتخاب یا رد آن چه که خود می‌خواهند یعنی این که هیچ کس اجازه ندارد، کسی را به زور وادار به تغییر عقایدش کند یا به سبب عقیده ای او را مورد آزار و اذیت قراردهد. دیگر این که، فرد معتقد و دارای عقیده را نیز وادار می‌کند تا پشتیبان عقیده خود باشد و از آن دفاع کند و در صورتی که در جایی است که نمی‌تواند با آن عقیده ای که دارد، زندگی کند، می‌تواند از وطن خود به جای دیگری مهاجرت کند و در این امر هیچ تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست. (ناصری مقدم، الزحلیلی، ۱۳۸۴)

یکی از شاخه‌های آزادی عقیده، آزادی در انتخاب دین است. هر کس طبق عقل و قوه تفکر خود و اختیار و آزادی که خدای سبحان به او بخشیده است، در انتخاب دین خود آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند او را مجبور به انتخاب دین خاصی کند. از آن جایی که عقیده امری قلبی است و از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و بدون معرفت و شناخت بدست نمی‌آید و از طرفی نیز با از بین رفتن معرفت، آن نیز نابود می‌شود و از بین می‌رود؛ بنابراین هیچ گاه به وسیله اموری که خارج از نفس انسان است، از بین نخواهد رفت؛ زیرا اعتقاد و ندای قلب و روح کسی را نمی‌توان به اجبار و زور خاموش کرد. بنابر مطالب گفته شده، عقیده آزاد است و اجبار کردن افراد امری لغو و بیهوده است و در حدود شریعت و اسلام چیزی با عنوان اکراه و اجبار

اصلًا قرار داده نشده است، هر چند هر مکلفی این وظیفه را بر دوش دارد که دین الهی را بشناسد، بفهمد و بپذیرد و به آن عمل کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۷۷)

## ۲. انتخاب دین

دین مجموعه‌ای از اعتقادات خاص است و هرگز قابل تحمیل به کسی نیست. اگر کسی اصل و مبانی دین و دین داری را نفهمد و نشناسد، دین در جسم و جان او وارد نمی‌شود؛ (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۳) بنابر همین صحبت است که خدای متعال در آیه ای نورانی از قران می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین» (بقره/۲۵۶)؛ دین را نباید با اکراه و اجبار به مردم تحمیل کرد. خدای سبحان، انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که تنها با «برهان و دلیل» قانع می‌شود و بدون آن چیزی در روح و جانش نمی‌نشینند و از این روی می‌فرماید: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيئًا» (یونس/۳۶)؛ گمان، به هیچ وجه آدمی را از حقیقت بینیاز نمی‌گرداند. این آیه حکم ارشادی را بیان می‌کند که: «سخن مظنون نگویید؛ زیرا اثری در دل دیگران ندارد».

عقیده، امری علمی است و تا زمانی که مقدمات و مبانی آن در نفس انسان پیدا نشود، خود آن نیز محقق نمی‌شود و به هیچ وجه قابل تحمیل نیست. همان گونه که اشاره شد، به دلیل این که افکار انسان، با تکیه بر برهان و دلیل شکل می‌گیرد، از این روی نه تنها دیگران بلکه خود انسان نیز نمی‌تواند عقیده‌ای را بر خود تحمیل کند. برای این که عقیده‌ای در جان ریشه کند، باید دو گره ایجاد شود؛ یکی میان موضوع آن عقیده با محمولش و دیگری میان محصول موضوع و محمول با نفس انسان که گره و عقد بین موضوع و محمول «قضیه» نام می‌گیرد و گره بین قضیه و نفس، «اعتقاد». البته می‌شود که این گره‌ها نباشد و انسان همچون زمان کودکی خود، با خیالات و توهمات خود، زندگی کند و هیچ دلیلی بر آن‌ها نداشته باشد.

این حالت برای انسانی که می‌خواهد به کمال برسد، هیچ دستاوردهی نخواهد داشت. انسان تنها زمانی به کمال می‌رسد که با اختیار و عقل خود، حق را بپذیرد. اجبار، سبب می‌شود تا اختیار انسان گرفته شود؛ به همین دلیل خدای متعال درباره اندیشه و عقیده، آزادی را محور و اصل قرار می‌دهند و اکراه و اجبار در دین را جایز نمی‌دانند و از انبیاء می‌خواهد که تنها مردم را هدایت کنند و دین را به آن‌ها عرضه دارند. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۴)

### **۳. عدم منافات امر به معروف و نهی از منکر با آزادی**

با توجه به آن چه که درباره حق آزادی فرد مطرح شد، برخی این اشکال را مطرح کردند که امر به معروف و نهی از منکر، در تعارض و منافات با آزادی است. در این زمینه به نظر علامه بزرگوار جوادی آملی (دامت برکاته) می‌پردازیم؛ ایشان در این رابطه نظرشان این گونه است که «امر به معروف و نهی از منکر» ناظر به پیدایش عقیده حق یا زدودن اعتقاد باطل نیست»؛ زیرا امر قلبی و نفسانی با امر، نمی‌آید و با نهی نمی‌رود و با هیچ چیز قابل تحدید نیست. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، نه آزادی عقیده را نفی می‌کند و نه اثبات؛ اما در مورد اعمال دیگران، در صورتی که آشکار و علني باشد و سبب حرمت شکنی شود، نه تنها امر به معروف و نهی از منکر، آزاد، بلکه واجب است؛ زیرا در صورتی که در چنین فضایی این امر مهم اجرا نشود، آزادی دیگران تحدید شده و عدالت بر پا نمی‌شود. عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای مشخص و مناسب خود که آن جایگاه را خدای حکیم تعیین کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۸۳)

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، هم با آزادی بیان آمر و ناهی هماهنگی دارد و هم نفی کننده آزادی مأمور و منهی نیست و کسی که در یک نظام حکومتی زندگی می‌کند، باید به قوانین آن نظام نیز پایبند باشد و همه افراد بشر نسبت به قوانین نظام، نظارت متقابل داشته باشند؛ پس هیچ گاه امر و نهی، با آزادی منافات ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۸۴)

### **۴. مسئله ارتداد با آزادی**

طبق آن چه تا کنون گفته شد، انتخاب دین آزاد است و کسی نمی-تواند دیگری را مجبور به انتخاب دین کند؛ حال این مسئله پیش می‌آید که اگر انتخاب دین آزاد است؛ پس چرا در اسلام، حکم ارتداد مطرح می‌شود و برای کسی که از دین اسلام به دین دیگری روی آورده، حکم و حد معین می‌شود. در پاسخ به این شبهه، به بیانات آیه الله جوادی آملی (دامت برکاته) استناد می‌کنیم که فرمودند: از آن جایی که حق و باطل کاملاً جدای از هم هستند و اصل توحید و شرک مشخص است؛ بنابراین اگر کسی اسلام را بفهمد، آن را می‌پذیرد و اگر کسی بعد از آن که مسلمان شد و به اسلام گروید، از آن برگردد و مرتد شود؛ چند حالت پیش می‌آید: اول آن که ارتداد خود را ظاهر نمی‌کند و کسی از ارتداد او خبر دار نمی‌شود؛ در این صورت تنها عذاب او منتهی به قیامت می‌شود و حکمی در حق او اجرا نمی‌شود.

دوم آن که دیگران از ارتداد فرد خبردار می‌شوند و مشخص گردید که ارتداد آن شخص، بر اساس تحقیق و تفحص بوده و راه اشتباه رفته است که در حق این شخص نیز حکم شرعی اجرا نمی‌شود. سومین حالت این است که ارتداد شخص از روی تحقیق و به اشتباه افتادن نیست؛ بلکه از روی شهوت عملی است که در این صورت اگر ارتداد او فطری باشد، حد مشخص دارد و معنای آزادی به اصل عدالت محدود می‌شود و تنها مرجعی که حدود عدالت را تعیین می‌کند، خدای متعال و عادل است نه هیچ کس دیگری. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵)

این مطلب مشخص می‌کند که فردی که از انتخاب دین اسلام رویگردان شود و به دین دیگری روی آورد در صورتی مستحق حدود الهی می‌شود که قصد بر هم زدن نظم و عدالت اجتماعی را داشته باشد و از روی عناد و دشمنی دست به اقداماتی بزند که سبب آسیب رسیدن به نظام مقدس اسلام شود. با توجه به آن چه که گفته شد؛ باید عنایت داشت که هر چند خدای متعال تکویناً انسان را آزاد آفریده و او را مجبور به پذیرش هیچ دینی نکرده است اما از نظر شرعی و تشریعاً وظیفه دارد دین حقی که خواست فطرت پاک و الهی اوست بپذیرد و راه کمال و سعادت را از گمراهی و ضلالت تشخیص داده تا بتواند از هدایت الهی بهره مند گردد. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۱)

خدای متعال با سخنان متعددی در قرآن از انسان‌ها می‌خواهد که بهترین سخن و راه را برگزینند و خود خدای سبحان راه و دین بهتر و برتر را به انسان‌ها معرفی می‌کند و آن‌ها را به آن راه هدایت می‌کند. خدای متعال در قرآن می‌فرمایند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹)؛ همانا دین نزد خدا، اسلام است. یعنی خدای سبحان به طور صریح و روشن راه را به انسان نشان می‌دهد و او را به این راه فرار می‌خواند و از او می‌خواهد که بر اساس گرایش فطری خود، به سمت آن راه بستابد. اما با وجود همه این‌ها انسان آزاد است که چه راهی را انتخاب کند و این انتخاب او، مشخص می‌کند که آن فرد به سعادت می‌رسد یا به آتش و دوزخ. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۳)

## ۵. دین حق و دین باطل

از آن جایی که مجموعه عقاید و اخلاق و احکام یا حق است یا باطل و یا مخلوطی از هر دو؛ پس آن چه از این موارد که حق باشد، دین حق نام می‌گیرد و غیر از آن را دین باطل گویند و گاهی نیز دین

مزوج از حق و باطل می‌شود که این نیز باطل است. قرآن کریم آن‌چه که پیامبران برای انسان‌ها آورده‌اند، را دین حق می‌دانند؛ زیرا آن قواعد و مقررات مطابق با واقع و حقیقت است و محصول خدای سبحان. خدای متعال در آیه‌ای به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (آل عمران/۶۰)؛ حق از پروردگار تو سرچشم‌می‌گیرد.

اسلام دینی حق است که اگر بشر جز آن را انتخاب کند، مقبول خدای سبحان نیست. (جوادی آملی، دین شناسی، ۱۳۹۶، ص ۲۹) «وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران/۸۵)؛ و هر کس که جز اسلام، دینی، دیگر جوید، هرگز از وی چیزی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیان کاران است. پس اسلام کامل ترین دین است که توسط یامبر خاتم، برای بشر آورده شده است و افراد باید به آن ایمان آورده و با قدرت آزادی و اختیار خود آن را انتخاب کنند تا به رستگاری و سعادت برسند.

## نتیجه گیری

آزادی مقوله‌ای بسیار مهم و اساسی است که همواره بشر به دنبال آن بوده است. آزادی عقیده نیز از موارد قلبی و درونی است که تا زمانی که فرد در اعمال و ظاهر خود آن را نشان ندهد، کسی متوجه آن نخواهد شد. انسان در هر جایگاه و شرایطی که باید این حق را دارد که عقیده و اعتقاد خود را آزادانه و بدون اجبار بر گزینند؛ از جمله آزادی‌های فرد، حق انتخاب دین است و کسی که می‌خواهد دینی را برای خود انتخاب کند، باید با توجه به قدرت تعقل و تفکر خویش، این کار را انجام دهد و کسی حق ندارد که او را بر انتخاب دین خاصی مجبور سازد و یا از انتخاب یک دین باز دارد. در مسلک اسلام، این گونه است که فرد از زمانی که تحت لوای مقدس اسلام قرار می‌گیرد، حق بازگشت از آن را ندارد؛ البته این مطلب نمی‌تواند او را از اعتقاد قلبی اش باز دارد و تنها زمانی حکومت می‌تواند وی را به خاطر روی برگردان از دین اسلام مجازات کند که بر علیه نظام اسلامی اقدام کند و قصد تضعیف و اهانت به مقدسات دین اسلام را داشته باشد. اما در صورتی که فرد تنها از نظر اعتقاد قلبی و باطنی از اسلام بیزاری جوید و مرتد شود؛ دستگاه‌های حکومتی حق ندارند که بر روی حکمی جاری سازند و این چنین فردی، تنها عقوبتش در آخرت و روز قیامت خواهد بود. خلاصه بحث این که انتخاب دین آزاد است و در شریعت اسلام نیز این گونه است که فرد با آزادی و اختیار خوبیش دینش را انتخاب می‌کند و به قوانین و قواعد آن پاییند است و حتی زمانی که مرتد شود تا هنگامی که اقدامی بر علیه دین و نظام اسلام نکند، حکومت، حق هیچ گونه برخوردی را با او ندارد و شخص آزاد و رها در جامعه زندگی می‌کند و به هر دینی که اختیار کرده است، باقی می‌ماند.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

### منابع فارسی

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ه.ش). تفسیر تسنیم، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ه.ش)، دین شناسی، چاپ نهم، قم: نشر اسراء.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ه.ش)، فلسفه حقوقی بشر، چاپ نهم، قم، نشر الاصراء.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ه.ش)، ولایت فقیه، چاپ هجدهم، قم: نشر اسراء.
۵. حسینی دشتی، سیدمصطفی، (۱۳۷۹ه.ش)، معارف و معارف (دایرة المعارف جامع اسلامی)، چاپ سوم، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰ه.ش)، فرهنگ دهخدا، چاپ دوم، زیرنظر دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

### منابع عربی

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۸ه.ش)، تفسیر المیزان، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

### مقالات

۱. حسینی کارنامی، سید حسین، (زمستان ۱۳۹۳ه.ش)، "آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه (لا اکراه فی الدین)"، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۹.
۲. فضیحی، محمد حسن، (تابستان ۱۳۹۰)، "آزادی در انتخاب دین از دیدگاه اسلام"، نورمگر، شماره ۳۵.
۳. قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۳ه.ش)، "حکومت نامه امام علی (علیه السلام)"، معارف.
۴. محبی، علی، (۱۳۸۵ه.ش)، "آزادی از نظر اسلام و غرب"، مجله الهیات و حقوق اسلامی، شماره ۳.
۵. ناصری مقدم، حسین، الزحلی، وهبی، (۱۳۸۴ه.ش)، "آزادی اندیشه و گفتار از منظرا دیان و فرهنگ" - ها، حوزه، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹.